

# جنگ‌های حافظه: بازگشت به متن فرویدی

فیل مولن، سوزی اوربک، اشلی کانوی

مترجم: سپیده معتمدی

پیش گفتار / ۷

فروید و نشانگان حافظہی کاذب / ۱۵

نشانگان حافظہی کاذب: فمینیسم، انکار اجتماعی، نقش رسانه‌ها / ۶۵

حافظہی بازیافتہ: تیرباران پیام‌آور / ۸۱

در سال‌های اخیر در امریکا و بریتانیا اصطلاح حافظه‌ی کاذب<sup>۱</sup> و نشانگان حافظه‌ی کاذب<sup>۲</sup> در رسانه‌ها مطرح شده است. اصطلاح حافظه‌ی کاذب که مفهومی نو و نآزموده است، معمولاً در مورد بزرگسالانی استفاده می‌شود که گویا خاطراتی را درباره‌ی سوءاستفاده‌ی جنسی در دوره‌ی کودکی خود به یاد آورده‌اند که قبلاً در خودآگاه آنان ناشناخته بوده است. گفته می‌شود این بزرگسالان، که عمدتاً زنانی در دهه‌ی بیست‌سالگی خویش‌اند، غالباً تحت درمان‌هایی از قبیل هیپنوتیزم بوده‌اند. حامیان این دو اصطلاح معتقدند که این خاطرات بازیافته صحت ندارند و در اغلب اوقات، در جریان درمان به مدعیان القا شده‌اند. در حالی که مخالفان بر آن‌اند که امکان بازیافتن خاطرات واقعی وجود دارد و حافظه‌ی بازیافته در بسیاری از موارد صحت دارد.

---

1. False memory

2. False memory syndrome

نخستین بار رالف اندر وگر<sup>۱</sup> و هالیدا ویکفیلد<sup>۲</sup> و نیز پاملا و پتر فرید<sup>۳</sup> اصطلاح «نشانگان حافظه‌ی کاذب» را به کار بردند. آن‌ها به اتفاق، بنیاد نشانگان حافظه‌ی کاذب (FMSF) را در ۱۹۹۲ میلادی تأسیس کردند. فریدها مدعی شده بودند که دختر آنان به نادرستی پدر خود را به سوءاستفاده متهم کرده است. این دختر، پرفسور جنیفر فرید، متخصص روان‌شناسی شناختی، احساس وظیفه کرده بود که آشکارا در این باره سخن بگوید؛ البته او اصل خاطرات ادعا شده را افشا نکرد. عموی او، ویلیام فرید، در نامه‌ی سرگشاده‌ای به رسانه‌ها در ۱۹۹۵ میلادی مدعی شد که او و مادرش (مادربزرگ جنیفر) و دختران او قانع شده‌اند که سوءاستفاده‌ی جنسی خشونت‌باری روی داده است. این امر البته به معنای درستی این سخنان نیست، اما نشان می‌دهد که خانواده‌ی فرید دچار نوعی نارسایی و اختلال کارکرد بوده است.

درواقع، حافظه‌ی انسان بسیار پیچیده است و گاه دستخوش تغییراتی قرار می‌گیرد. برای مثال، ممکن است جزئیات رویداد یا واقعه‌ای که شخص به خاطر می‌آورد، درواقع روی نداده باشد. حافظه ماهیتی بازسازی‌کننده دارد و از این رو ممکن است تحت تأثیر عواملی چون درهم آمیختگی با اطلاعات جدید، آرای مراجع قدرت یا داده‌های مکرر در جامعه و فرهنگ قرار گیرد. تقریباً همه‌ی ما هم خاطرات دقیق و تاریخی داریم و هم خاطراتی که با تخیلات آمیخته است. بنابراین، معمولاً به خاطر آوردن گذشته به سادگی امکان‌پذیر نیست. ما رویدادهای گذشته را مثل یک ضبط صوت به یاد نمی‌آوریم، بلکه آن‌ها را براساس اندیشه‌ها و انتظارات خود بازسازی می‌کنیم. غالباً خاطره‌ها با احساسات و باورهای ما پیوند می‌خورند و به این ترتیب، تحریف می‌شوند. در طول سالیان نیز خاطره‌ها

1. Ralph Underwager
2. Hollida Wakefield
3. Pamela & Peter Freyd

بیش‌ازپیش با تصویر کلی ما از خودمان منطبق می‌شوند و دقت خود را از دست می‌دهند. البته نباید چنین پنداشت که ما درباره‌ی گذشته‌ی خود دروغ‌پردازی می‌کنیم، بلکه صرفاً رویدادها را به نحو دقیق به یاد نمی‌آوریم. آنچه که از طریق حواس به مغز می‌رسد و وقایعی که به خاطر می‌آید، گاهی دچار خلأهایی است که ذهن انسان می‌کوشد آن‌ها را پر کند. بنابراین گاهی این جزئیاتی که آن‌ها را در ذهن خود شکل داده‌ایم، واقعیت ندارند. از همین رو، برخی محققان و روان‌شناسان بر این باورند که ما خاطره‌های خود را شکل می‌دهیم. از نظر آنان، خاطره عمیقاً تحت تأثیر گفته‌های دیگران درباره‌ی رویدادهای زندگی ماست. این گفته‌ها ممکن است مدت‌ها پس از وقوع رویدادهای ویژه، با ما در میان گذاشته شوند. در این باره پژوهش‌هایی نیز انجام گرفته است. از جمله ایلیزابت لافتس<sup>۱</sup> که در تحقیقی نشان داد چگونه پرسش‌های هدایت‌گر و القاکننده می‌توانند داوری درباره‌ی واقعیت را تحت تأثیر قرار دهند و افزون بر آن، بر حافظه‌ی مربوط به رویدادهای زندگی نیز اعمال نفوذ کنند. همچنین او در پژوهشی دیگر ثابت کرد که می‌توان خاطره‌های کاذب از تجارب دوران کودکی را در اذهان بزرگسالان گنجاند.<sup>۲</sup>

بنابراین می‌دانیم که حافظه دچار خطا می‌شود و خاطرات ممکن است تحریف شوند. خاطرات بازیافته<sup>۳</sup> وضع پیچیده‌ای دارد و استفاده از هیپنوتیزم برای بازیافتن خاطرات، سؤال‌برانگیز و مورد تردید است. این گونه خاطرات ممکن است درست یا نادرست باشند. اما گاهی براساس این خاطرات، که ممکن است تحریف‌شده باشد، اتهاماتی به افراد وارد می‌شود. اتهاماتی از قبیل تجاوزگری و سوءاستفاده از کودکان. درستی یا نادرستی این اتهامات مسئله‌ای بحث‌برانگیز است. درضمن باید توجه داشت مادام که ادعاهای

1. Elizabeth Loftus

۲. بگریه به: روان‌شناسی اجتماعی، الیوت ارونسون، ترجمه حسین شکرکن، ص ۱۶۹-۱۷۸.

3. recovered memory